

## تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای برسازی برنامه هسته‌ای ایران به عنوان یک تهدید امنیتی

محمدرضا مجیدی\*

علیرضا ثمودی پیله رود\*\*

### چکیده

در این مقاله، با بهره‌گیری از مبانی مکتب کپنهاگ، رویکرد رژیم صهیونیستی در امنیتی ساختن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نویسندگان این مقاله بر این باورند که تل‌آویو در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان یک تهدید امنیتی برای خود و کشورهای منطقه و کشورهای اروپایی معرفی کند و از این طریق راه را برای تدوین و اجرای سیاست‌های تنبیهی از سوی شورای امنیت، اتحادیه اروپا و آمریکا فراهم سازد.

### واژگان کلیدی

امنیتی‌سازی، برنامه هسته‌ای ایران، رژیم صهیونیستی، تهدید، مکتب کپنهاگ.

### مقدمه

مقام‌های اسرائیلی همواره با مطرح کردن بحث «تهدید وجودی» سعی در طرح این موضوع دارند که اگر ایران به توانمندی هسته‌ای دست یابد، بی‌تردید آن را برای نابودی کامل اسرائیل به کار خواهد گرفت و از این رو برنامه هسته‌ای ایران موجودیت این رژیم را تهدید می‌کند. در

mmajidi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۱۹

\*. دانشیار دانشگاه تهران.

\*\* . دانشجوی دکنترای مطالعات اروپا دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۷

راستای پیشبرد این راهبرد، تل‌آویو برنامه‌های هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی ایران را بهانه قرار داده و تبلیغات و فعالیت‌های وسیعی را بر ضد تهران آغاز کرده است. با این سیاست، اسرائیل به دنبال کسب حمایت بین‌المللی برای کارشکنی بر ضد تعاملات بین‌المللی ایران و در نتیجه تضعیف و انزوای تهران می‌باشد. در واقع، در میان شهروندان (به عنوان مثال، در یکی از نظرسنجی‌های انجام شده، ۷۷ درصد اسرائیلی‌ها به این موضوع اشاره کرده بودند که حتی توافق ژنو برنامه تسلیحات اتمی ایران را متوقف نخواهد کرد. (Tel Aviv University, 2013) و مقام‌های اسرائیلی این دیدگاه وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران با رسیدن به توانمندی هسته‌ای، تهدیدی برای امنیت ملی این رژیم محسوب می‌شود.

در همین زمینه بنیامین نتانیاهو می‌گوید:

ما از سوی شکل افراطی اسلام به رهبری ایران مورد تهدید قرار گرفته‌ایم. ایران از طریق حماس و حزب‌الله و سایر سازمان‌های تروریستی برنامه‌های خود را پیش می‌برد؛ برنامه‌هایی که موجب به خطر افتادن موجودیت اسرائیل شده است. آنها به صراحت از آرزوی خود برای از بین بردن ما سخن به میان می‌آورند. این موضوع تنها تهدیدی برای اسرائیل نیست، بلکه تمام جهان را تهدید می‌کند. (Netanyahu, 2010)

ایهود باراک وزیر دفاع اسبق رژیم صهیونیستی نیز اعلام کرده که «ایران به سرعت در حال رسیدن به لحظه‌ای است که عمق، وسعت و تقویت تأسیسات اتمی آن به نقطه‌ای خواهد رسید که وارد نقطه مصونیت<sup>۱</sup> خواهد شد و حمله اسرائیل کارآیی چندانی نخواهد داشت». (Ross, 2012) شائول موفاز معاون نخست وزیر رژیم صهیونیستی در جریان برگزاری مانوری توسط این رژیم در ماه مه ۲۰۰۸ در سواحل مدیترانه اعلام کرد: «در صورتی که ایران به برنامه هسته‌ای خود برای توسعه تسلیحات اتمی ادامه دهد، ما به این کشور حمله خواهیم کرد». (Porter, 2014: 265) در واقع، از زمان مطرح شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، مقام‌های رژیم صهیونیستی در کنار دولت آمریکا همواره تلاش کرده‌اند تا این برنامه را که دارای ماهیتی حقوقی و فنی است، به یک موضوع سیاسی و امنیتی تبدیل کنند و در نهایت زمینه را برای انجام اقدام‌هایی فراتر از هنجارهای بین‌المللی فراهم سازند. این امر به ویژه در کنش کلامی سران رژیم صهیونیستی به وضوح قابل

1. Zone of Immunity.

مشاهده است. در این مقاله، تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از مفاهیم و مبانی مکتب کپنهاگ سیاست‌های رژیم صهیونیستی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، رویکرد این رژیم در امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران، تفاوت دیدگاه‌های تل‌آویو با کشورهای اروپایی و آمریکا و اثرات این سیاست‌ها بر رویکرد کشورهای اروپایی در قبال این برنامه مورد بررسی قرار بگیرد.

### مکتب کپنهاگ و امنیتی‌سازی

مکتب کپنهاگ در مؤسسه پژوهش صلح و منازعه کپنهاگ<sup>۱</sup> و در آثار افرادی همچون بری بوزان، اول ویور، جاپ دیویلد و دیگران بسط یافت. مکتب کپنهاگ از طریق ارائه مفاهیم و انگاره‌های خود در خصوص امنیتی‌سازی<sup>۲</sup> و غیرامنیتی‌سازی<sup>۳</sup> اثر قابل توجهی بر مفهوم امنیت داشته است. این مکتب نقشی مهم در توسعه مفهوم امنیت داشته و چارچوب مؤثری را برای تحلیل چگونگی امنیتی شدن و غیرامنیتی شدن فراهم آورده است. در واقع، مکتب کپنهاگ بخشی از تلاش موسع برای ارائه تعاریف و چارچوبی جدید برای امنیت و بازتعریف دستور کار امنیتی پس از پایان جنگ سرد می‌باشد. مکتب کپنهاگ با بهره‌گیری از نظریه سازه‌انگاری در خصوص برسازی هویت‌ها، چارچوبی را فراهم می‌کند که به وسیله آن می‌توان تحلیل کرد چه موضوعات یا کنشگرانی یک تهدید امنیتی تلقی می‌شوند. (Pieper, 2012: 2) از این رو، می‌توان گفت امنیتی‌سازی تثبیت بنیاد ذهنی یک تهدید وجودی به میزانی از اهمیت است که برای ایجاد آثار سیاسی پایدار کافی باشد. نکته مهم این است که آن تهدید باید با موفقیت بر ساخته شود و از سوی مخاطب مورد پذیرش قرار بگیرد.

در امنیتی‌سازی سه واحد تحلیل وجود دارد: «مرجع اشاره»<sup>۴</sup> یعنی چیزی که امنیتی‌سازی درباره آن صورت می‌گیرد؛ کنشگر امنیتی‌ساز<sup>۵</sup> که با اعلام چیزی به عنوان یک تهدید موجودیتی، موضوع را امنیتی سازد؛ کنشگران عملکردی، یعنی کسانی که فعالیت‌هایشان آثار مهمی برای ایجاد امنیت دارد. می‌توان گفت که کنشگران امنیتی‌ساز می‌توانند هر چیزی را به

1. Copenhagen Conflict and Peace Research Institute.
2. Securitization.
3. Desecuritization.
4. Referent Object.
5. Securitizing Actor.

عنوان یک مرجع اشاره برسازی کنند. به این ترتیب در امنیتی‌سازی، یک کنشگر امنیتی‌ساز موفق می‌شود یک تهدید یا آسیب‌پذیری را به مثابه تهدیدی نسبت به موجودیت مخاطب معرفی کرده و بر این اساس، تأیید اقدام‌های اضطراری را دریافت کند و چنانچه موفق نشود، مخاطب امنیتی‌ساز مشروعیت یا تأیید لازم را اعطا نمی‌کند. پویایی هریک از این مجموعه‌های امنیتی توسط کنشگرهای امنیتی‌ساز و مرجع اشاره تعیین می‌شود.

در حقیقت، کنشگر امنیتی‌ساز به کنشگری گفته می‌شود که با بیان اینکه یک چیز یا همان «مرجع اشاره» به لحاظ موجودیت مورد تهدید قرار گرفته، به امنیتی‌سازی موضوعات می‌پردازد. معمولاً رهبران سیاسی، حکومت‌ها، گروه‌های لابی و گروه‌های فشار از جمله کنشگرهای امنیتی‌ساز محسوب می‌شوند. مرجع اشاره نیز چیزهایی هستند که موجودیت آنها مورد تهدید قرار می‌گیرد. (Buzan and Waever, 2009: 255) بی‌تردید، مرجع اشاره و نوع تهدیدهای وجودی که با آن روبه‌رو هستند در حوزه‌های مختلف امنیتی تفاوت دارد.

امنیتی شدن یک موضوع سیاسی شده زمانی اتفاق می‌افتد که یک کنشگر امنیتی‌ساز موضوعی را به عنوان یک تهدید وجودی<sup>۱</sup> برای یک مرجع اشاره مطرح می‌کند. این مرجع اشاره می‌تواند یک دولت، حاکمیت ملی، ایدئولوژی و هویت‌های دسته جمعی باشد. پس از آن، کنشگر امنیتی‌ساز بر ضرورت به کارگیری تدابیر فوق‌العاده تأکید می‌کند؛ تدابیری که فراتر از هنجارهای معمول در عرصه سیاسی است و با هدف برخورد با این تهدید به کار گرفته می‌شوند.

مکتب کپنهاگ به طیفی اشاره می‌کند که در راستای آن موضوعات دسته‌بندی می‌شوند. مکتب کپنهاگ این ادعا را مطرح می‌کند که هر موضوع خاصی می‌تواند غیرسیاسی، سیاسی یا امنیتی‌سازی شود. یک موضوع زمانی غیرسیاسی است که موضوع کنش دولت‌ها نیست و یا در مباحثات عمومی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و زمانی سیاسی می‌شود که در چارچوب نظام سیاسی رسمی یک دولت مدیریت می‌شود. در واقع، یک موضوع سیاسی بخشی از سیاست عمومی است که مستلزم تصمیم‌گیری از سوی دولت و تخصیص منابع می‌باشد. در نهایت اینکه، یک موضوع زمانی در انتهای طیف امنیتی شدن قرار می‌گیرد که مستلزم انجام کنش‌های اضطراری و فراتر از روال‌های سیاسی و استانداردهای دولت باشند. در شکل زیر، فرایند امنیتی‌شدن یک موضوع در مکتب کپنهاگ مورد اشاره قرار گرفته است.

#### 1. Existential Threat.



موضوع غیرسیاسی	موضوع سیاسی شده	موضوع امنیتی شده
دولت هیچ اقدامی در خصوص آن انجام نمی‌دهد. این موضوع در مباحثات عمومی جایگاهی ندارد.	موضوع در درون نظام سیاسی رسمی مدیریت می‌شود. بخشی از سیاست عمومی است و مستلزم تصمیم‌گیری از سوی دولت و اختصاص منابع می‌باشد.	موضوع از طریق کنش امنیتی‌سازی به عنوان یک معضل امنیتی مطرح می‌شود. کنشگران امنیتی‌ساز یک موضوع اخیراً سیاسی‌شده را به عنوان یک تهدید حیاتی برای یک مرجع اشاره مطرح می‌کنند.

(Emmers, 2010)

مکتب کپنهاگ این استدلال را مطرح می‌کند که یک نگرانی می‌تواند از طریق کنش امنیتی‌سازی به یک موضوع امنیتی تبدیل شود. در واقع، این نگرانی در ابتدا به عنوان یک موضوع امنیتی مطرح نمی‌شود و از سر طیف موضوع سیاسی شده به انتهای طیف امنیتی شده حرکت می‌کند. یک کنشگر امنیتی‌ساز یک موضوع سیاسی شده را به عنوان تهدید وجودی برای یک مرجع اشاره مطرح می‌کند. در پاسخ به ماهیت وجودی تهدید، کنشگر امنیتی‌ساز اعلام می‌کند که برای مدیریت این موضوع امنیتی شده باید تدابیر و اقدام‌های فوق‌العاده انجام دهد که فراتر از هنجارهای معمول حوزه سیاسی می‌رود.

بوزان، ویور و دی ویلد این استدلال را مطرح می‌کنند که امنیتی‌سازی حرکتی است که سیاست را فراتر از قواعد تثبیت شده بازی می‌برد و موضوع را به عنوان نوع خاصی از سیاست یا بالاتر از آن، چارچوب‌بندی می‌کند. در واقع، امنیتی‌سازی را می‌توان نسخه افراطی و تند سیاسی شدن دانست که فراتر از موضوعات نظامی شامل بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست می‌شود. (Ovall and Bozdaglluglu, 2012: 5) به طور کلی، مکتب کپنهاگ این استدلال را مطرح می‌کند که امنیتی‌سازی امری بین‌الذهانی است و به لحاظ اجتماعی برساخته می‌شود و امنیتی‌سازی موفق زمانی تحقق پیدا می‌کند که مخاطب، کنش کلامی کنشگر امنیتی‌ساز را بپذیرد.

در حقیقت، نوع نگاه به یک موضوع امنیتی همیشه به بحث انتخاب یا همان گزینه

سیاسی بازمی‌گردد. این انتخاب معمولاً از طریق برچسب زدن تهدید امنیتی به یک موضوع تحقق پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، امنیتی‌سازی یک فرایند ضرورتاً بیناذهنی است. در حقیقت، این فرایند، گفتگو و تعامل میان کنشگر امنیتی‌ساز و مخاطب است. در مکتب کپنهاگ، کنش کلامی به عنوان نقطه عزیمت فرایندی امنیتی‌سازی مطرح می‌باشد. یک موضوع از طریق یک کنش کلامی به تنهایی می‌تواند به معضل امنیتی تبدیل شود، فارغ از اینکه آیا آن نگرانی در واقعیت نیز تهدیدی وجودی باشد یا نه. در حقیقت، اهمیت کنش کلامی به این سبب نیست که بر چیزی واقعی دلالت کند، بلکه ادای آن نیز خود، کنش محسوب می‌شود.

یک کنشگر امنیتی‌ساز از زبان برای بیان یک معضل البته بر اساس مبانی امنیتی استفاده می‌کند و مخاطب مرتبط را در خصوص خطر فوری آن متقاعد می‌کند. بیان این موضوع بر اساس مبانی امنیت، مخاطب را به نوعی شرطی می‌کند و به کنشگر امنیتی‌ساز این حق را می‌دهد که قدرت دولت را بسیج کرده و فراتر از قواعد سنتی دست به اقدام بزند. ویور در تعریف مخاطب می‌گوید:

مخاطب در واقع کسانی هستند که برای موفقیت‌آمیز بودن یک کنش امنیتی‌سازی، قانع شدن آنها الزامی است، اگر چه ممکن است برخی، شهروندان یا مردم و جمعیت را مخاطب بدانند، اما مخاطب با توجه به نظام سیاسی و ماهیت موضوع تفاوت پیدا می‌کند.

(Leonard and Kaunert, 2011: 59)

ویژگی تمایزبخش امنیتی‌سازی، وجود نوعی ساختار سخنورانه است؛ بدین معنا که بازیگر امنیتی‌ساز این استدلال را مطرح می‌کند که اگر این مشکل همین حالا برطرف نشود، دیگر دیر خواهد شد؛ یعنی دیگر زمانی وجود نخواهد داشت تا این شکست جبران شود. به طور کلی، یک بازیگر امنیتی‌ساز با چسباندن وصف امنیتی به آن، مدعی ضرورت و حق برخورد با آن با توسل به شیوه‌ای فوق‌العاده می‌شود. فرایند امنیتی کردن گونه‌ای است که در نظریه زبان به آن، کنش گفتاری می‌گویند. کنش گفتاری به عنوان نشانه‌ای دال بر چیزی واقعی‌تر جالب توجه نیست، بلکه کنش، خود گفتار است. با بر زبان راندن واژه‌ها کاری صورت می‌گیرد. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۵) در حقیقت، کنش گفتاری موفقیت‌آمیز تلفیقی است از زبان و جامعه. از ویژگی‌های ذاتی زبان و ویژگی‌های گروهی اینست که اجازه کنش گفتاری را می‌دهد و آن را به رسمیت می‌شناسد.

این امر بدین معناست که پذیرش این موضوع توسط مخاطب مرتبط، بخش بنیادین این فرایند است. رسانه‌ها، افکار عمومی و سیاست‌مداران نمونه‌هایی از این مخاطب هستند. مکتب کپنهاگ به این موضوع اشاره می‌کند که یک کنش موفق امنیتی‌سازی به کنشگر امنیتی‌ساز این حق را می‌دهد که از ابزارها و تدابیر خاص و استثنایی بهره بگیرد. منظور از تدابیر فوق‌العاده، فراتر رفتن از قواعد تثبیت شده است و در نتیجه خارج از محدوده‌های سیاسی قرار می‌گیرد. هدف از به کارگیری این تدابیر، واکنش نشان دادن به موضوعی است که برای یک مرجع اشاره تهدید وجودی محسوب می‌شود. تدوین و اجرای تدابیر فوق‌العاده شامل شناسایی و طبقه‌بندی یک موضوع به عنوان دشمن است که باید با فوریت با آن برخورد کرد. نوع اقدام‌ها و تدابیری که به کار گرفته می‌شوند به شرایط و رفتار آن بستگی دارد. تهدید وجودی در حوزه زیست‌محیطی، اقتصاد و یا ایدئولوژی هر یک واکنش‌های اضطراری خاصی را می‌طلبند. در همین راستا، سیاست‌های رژیم صهیونیستی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: تلاش برای معرفی ایران به عنوان تهدید برای امنیت منطقه خاورمیانه و همچنین کشورهای اروپایی و منافع ایالات متحده در منطقه، اقناع افکار عمومی به تهدید بودن برنامه هسته‌ای ایران و تلاش برای انجام اقدام‌هایی خارج از هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی از قبیل انجام حمله نظامی بر ضد ایران.

#### امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران از سوی رژیم صهیونیستی

به طور کلی، دو نگاه در ساختار قدرت رژیم صهیونیستی نسبت به ایران وجود دارد: یک نگرش، ایران را دشمن ایدئولوژیکی می‌داند که به دنبال نابودی فیزیکی رژیم صهیونیستی است و نگرش دوم، ایران را کشوری پیچیده می‌داند که تابعی از منافع ملی و حفظ ملاحظات نظام سیاسی خود است. به باور مقام‌های اسرائیلی، افزایش قدرت ایران در منطقه موجب قدرتمند شدن مخالفان رژیم صهیونیستی و جنبش‌های مقاومت فلسطین خواهد شد که به نفع تل‌آویو نیست. علاوه بر این، افزایش قدرت ایران به واسطه دستیابی به فناوری حساس چرخه سوخت می‌تواند رهبران آمریکا را به سوی مذاکره با ایران بکشانند؛ چیزی که رژیم صهیونیستی همواره از آن هراس دارد. (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۵۰) اسرائیل همچنین در این راستا در تلاش است تا تعریفی را از توازن قوا در منطقه ارائه دهد که در آن ایران

به‌عنوان منشأ اصلی ناامنی در منطقه تعریف می‌شود. به همین دلیل نیز به باور مقام‌های اسرائیلی هرگونه بازدارندگی باید با هدف جلوگیری از تهدید ایران باشد و مهار اصلی هم باید بر محور مهار قدرت‌هایی مثل ایران صورت بگیرد که با اهداف و جهت‌گیری‌های سیاسی غربی و یا وضع موجود منطقه سازگاری ندارند. اسرائیل برای عملی کردن برنامه‌های خود بر ضد تهران ابتدا در تلاش است تا ایران و فعالیت‌های هسته‌ای آن را تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین برای امنیت و بقای خود جلوه دهد. به عبارت بهتر، مسئله القای ترس و هراس از ایران در سطوح بین‌المللی به عنوان پیش‌نیاز و زمینه‌ای برای عملیاتی کردن اهداف بعدی اسرائیل به شمار می‌رود. (برزگر و قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۷۳) اسرائیل در سال ۲۰۰۹ و در دوره نخست وزیری نتانیاهو راهبرد جدیدی را آغاز کرده است که مهم‌ترین سرفصل آن را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱. انجام اقدام‌های مخفیانه با هدف به تأخیر انداختن و یا توقف برنامه هسته‌ای ایران (اقدامی که بیش از آن نیز انجام می‌شد)؛
۲. تشدید اقدام‌های دیپلماتیک؛

۳. انجام حمله نظامی مستقل و ترور دانشمندان ایرانی. (Even, 2014: 10) البته راهبرد پیشین رژیم صهیونیستی به طور عمده بر انجام اقدام‌های مخفیانه (هم در بعد عملیاتی و هم در بعد دیپلماتیک) از طریق استفاده از نیروهای جاسوسی بود و دو مؤلفه دیگر، یعنی انجام حمله نظامی و اقدام‌های دیپلماتیک کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت. تدوین راهبرد جدید به این دلیل حائز اهمیت است که راهبرد پیشین موفقیت‌آمیز نبود؛ زیرا به هیچ عنوان موجب توقف برنامه هسته‌ای ایران نشده بود.

تل‌آویو همچنین بارها از امکان حمله به تأسیسات اتمی ایران سخن به میان آورده است. برخی گزارش‌ها حکایت از آن دارد که اسرائیل در بهار ۲۰۰۸ از دولت جورج بوش درخواست صدور اجازه برای حمله به تأسیسات اتمی ایران را مطرح کرده بود. هرچند دولت بوش به این دلیل با این درخواست مخالفت کرده است که احتمال مؤثر بودن چنین حمله‌ای بسیار پایین و در مقابل، امکان انجام اقدام تلافی‌جویانه از سوی ایران بسیار بالاست. (Guardian, 2008) بنیامین نتانیاهو در تابستان ۲۰۱۰ نیز خواستار حمله به ایران شد و اعلام کرد که لحظه حمله به ایران فرا رسیده است. طبق گزارش‌ها، نتانیاهو و ایهود باراک وزیر دفاع از این موضوع



مطمئن بودند که حمله اسرائیل مؤثر بوده است و موجب از بین رفتن برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد. البته سران ارتش اسرائیل و سرویس‌های امنیتی داخلی و خارجی این رژیم با این اقدام مخالف بودند. به عنوان مثال، میرداگان<sup>۱</sup> رئیس پیشین موساد با هرگونه حمله به ایران مخالفت بود و اعلام کرد:

حمله به ایران احمقانه است و موجب بروز جنگ منطقه‌ای خواهد شد. این حمله به تهران بهترین دلیل و بهانه را برای استمرار برنامه هسته‌ای خود خواهد داد.  
(Economist, 2011)

تل‌آویو همچنین اقدام‌های خرابکارانه مختلفی برای متوقف ساختن برنامه هسته‌ای انجام داده است. استفاده از ویروس استاکس‌نت توسط این رژیم با هدف به تأخیر انداختن پیشرفت فعالیت‌های هسته‌ای ایران صورت پذیرفت. از سوی دیگر، ترور چهره‌های شاخص و اثرگذار در فرایند غنی‌سازی در ایران از دیگر راهکارهای تل‌آویو برای متوقف ساختن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. همچنین، رهبران اسرائیلی به این موضوع اشاره می‌کنند که هر توافقی میان ۵+۱ و ایران که به تهران اجازه دهد چرخه کامل سوخت اتمی را در اختیار داشته باشد، برای تل‌آویو غیرقابل قبول است. در واقع، آنها معتقدند که هیچ یک از شرایط پیشنهادی برای توافق نهایی عاقلانه نیست. به عنوان مثال، این موضوع که رژیم بازرسی‌ها می‌تواند مانع نقض تعهد ایرانی‌ها شود، امری غیرممکن است. همچنین این تصور که در صورت پایبند نبودن ایران به تعهدهای خود، آمریکا اقدامی مناسب انجام خواهد داد برای مقام‌های اسرائیلی قابل قبول نیست. وجود این بندها در توافق نهایی بسیار نامطلوب خواهد بود و تل‌آویو را ناچار به واکنش مستقل خواهد کرد. (Amidor, 2014)

مقام‌های اسرائیلی بر این باورند که باید از دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای ممانعت به عمل آورد و مهار یا بازدارندگی، گزینه‌های قابل قبولی نیستند. تمرکز اصلی رژیم صهیونیستی، ممانعت از دسترسی ایران به چاشنی انفجاری برای تولید سلاح‌های هسته‌ای است. مقام‌های رژیم صهیونیستی بر این باورند که در صورت دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای، توازن قدرت در منطقه به هم خواهد خورد و ایران نه تنها در منطقه خلیج فارس، بلکه در شبه جزیره عرب و آفریقا نیز نفوذ خود را افزایش خواهد داد.

---

1. Meir Dagan.

### دلایل مخالفت رژیم صهیونیستی با برنامه هسته‌ای ایران

مقام‌های اسرائیلی به این موضوع اشاره می‌کنند که ایران مسلح به تسلیحات اتمی، نه تنها تهدیدی وجودی برای موجودیت این رژیم خواهد بود، بلکه توانمندی اسرائیل را در محافظت از خود در برابر گروه‌هایی همچون حزب‌الله و حماس محدود خواهد کرد. ایهود باراک وزیر دفاع پیشین اسرائیل معتقد بود که اگر ایران به توانمندی هسته‌ای دست پیدا کند، واکنش تل‌آویو به حملات گروه‌هایی همچون حماس یا حزب‌الله «معادل حمله به ایران» خواهد بود و در نتیجه فضا و قدرت مانور تل‌آویو محدود خواهد شد. (Jewish Virtual Library, 2014)

به طور کلی، مقام‌های اسرائیلی و نهادهای امنیتی و تصمیم‌گیر در اسرائیل، اتمی شدن ایران را تهدیدی جدی برای امنیت خود می‌دانند. آنها به این موضوع اشاره می‌کنند که به دلیل دشمنی مقام‌های ایرانی با اسرائیل و اهداف جاه‌طلبانه منطقه‌ای ایران، دسترسی تهران به تسلیحات اتمی تهدیدی جدی برای اسرائیل و شکست سیاست پیشگیرانه تل‌آویو و البته دکترین بگین است که طبق آن اسرائیل از دسترسی کنشگران منطقه‌ای به توانمندی اتمی ممانعت به عمل می‌آورد. (Herzog, 2014) با توجه به وجود این پندار که دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای تهدیدی وجودی برای رژیم صهیونیستی است، بسیاری از اسرائیلی‌ها به این موضوع اشاره می‌کنند که در صورت ناکامی تحریم‌ها در توقف برنامه هسته‌ای ایران، انجام حمله نظامی بهترین راه حل ممکن می‌باشد. مقام‌های اسرائیلی همچنین با اشاره به اظهارنظرهای مقام‌های ایرانی به ویژه احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین ایران در خصوص حذف اسرائیل و نفی هولوکاست، این موضوع را مطرح می‌کنند که دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای تهدیدی جدی برای موجودیت این رژیم خواهد بود.

دلایل مختلفی را می‌توان برای مخالفت مقام‌های اسرائیلی از برخورداری ایران از توانمندی هسته‌ای برشمرد. نخست آنکه، ایران مسلح به تسلیحات هسته‌ای به قدرتی تهاجمی در منطقه تبدیل شده و درصدد گسترش نفوذ خود در منطقه خاورمیانه برخواهد آمد. در این شرایط، ایران ممکن است همسایگان ضعیف‌تر خود را ترغیب کند تا با تشکیل ائتلاف جدید به مقابله با اسرائیل بپردازند. دیگر آنکه، سوریه و سایر بازیگران غیردولتی همچون حزب‌الله زیر چتر اتمی ایران، اهداف خود را با جسارت بیشتری پیگیری خواهند کرد. سوم اینکه، مقام‌های اسرائیلی پیش‌بینی می‌کنند ایران برخوردار از تسلیحات هسته‌ای به سایر

دولت‌ها کمک خواهد کرد تا آنها نیز به تسلیحات اتمی دسترسی پیدا کنند. برخی اسرائیلی‌ها نیز معتقدند که در صورت دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای، گزینه‌های بازدارندگی اسرائیل کاهش خواهد یافت و تل‌آویو ناچار به بازنگری در سیاست‌های اتمی خود خواهد شد. (Eiran and Malin, 2013: 80-81)

مقام‌های اسرائیلی همچنین به این موضوع اشاره می‌کنند که در صورت دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای، علاوه بر تقویت مواضع ایران برای ماجراجویی بیشتر در منطقه، دولت‌های دیگر منطقه نیز درصدد تولید تسلیحات هسته‌ای برخوانند آمد. از دیگر دلایل مخالفت مقام‌های رژیم صهیونیستی با توانمندی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی اینست که توازن قدرت در منطقه به هم خواهد خورد و ایران نه تنها در منطقه خلیج فارس بلکه در شبه جزیره عرب و آفریقا نیز نفوذ خود را بیش از پیش افزایش خواهد داد. همچنین این دیدگاه وجود دارد که چنانچه ایران به تسلیحات اتمی دست پیدا کند دور جدیدی از بی‌ثباتی و همچنین شروع مسابقه تسلیحاتی در خلیج فارس و خاورمیانه آغاز خواهد شد و رژیم جهانی منع گسترش تسلیحاتی فرو خواهد پاشید.

البته به باور بسیاری، این قبیل اظهارنظرهای تهدیدآمیز تنها با هدف اعمال فشار بر کشورهای اروپایی بوده و تل‌آویو از توانمندی کافی برای انجام چنین تهدیدهایی برخوردار نیست. چهار مطالعه انجام شده توسط سیا و آژانس اطلاعات دفاعی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ نشان می‌داد که ارتش اسرائیل فاقد توانمندی لازم برای سوخت رسانی، بمب‌های بانکر باستر و توانمندی‌های جنگ الکترونیکی برای حمله به ایران است. البته مقام‌های اسرائیلی با وجود لفاظی‌های مستمر، خود نیز به این امر اذعان دارند که ایران فاصله زیادی با ساخت بمب دارد. به عنوان مثال، میرداگان رئیس پیشین موساد در ژانویه ۲۰۱۱ و چند روز قبل از ترک سمت خود اعلام کرده بود: «نیازی نیست به ایران حمله کنیم؛ زیرا تهران دست کم ۵ سال تا ساخت بمب اتمی فاصله دارد». وی همچنین در ژوئن ۲۰۱۱ به طور علنی از مواضع خصومت آمیز نتانیاهاو بر ضد ایران انتقاد کرد. ژنرال شلومو گازیت<sup>۱</sup> رئیس پیشین سازمان اطلاعات ارتش اسرائیل نیز در واکنش به حمله احتمالی به ایران گفت: «حمله به ایران موجب از بین رفتن اسرائیل خواهد شد». (Porter, 2014: 281)

---

1. Shlomo Gazit.

به طور کلی، جامعه اطلاعاتی اسرائیل به هیچ عنوان به این امر اعتقاد ندارد که ایران تهدیدی وجودی برای این رژیم است. به عنوان مثال، آهارون زئیفی فرکاش<sup>۱</sup> یکی از مقام‌های پیشین بخش اطلاعات ارتش اسرائیل در کنفرانسی در دانشگاه تل‌آویو می‌گوید:

اسرائیل انگیزه اصلی ایران برای دسترسی به توانمندی هسته‌ای نیست، بلکه تهران تلاش می‌کند تا از حمله احتمالی آمریکا و سرنگونی نظام خود جلوگیری به عمل بیاورد. ایران در ۳۰ سال موجودیت خود نشان داده که برای بقای خود میانه‌رو و عملگر است. (Bergman, 2009)

بنی گانتز<sup>۲</sup> رئیس ستاد ارتش اسرائیل در اظهارنظری اعلام کرد که رهبران ایران افرادی بسیار منطقی هستند و تصمیمی برای ساخت بمب اتمی ندارند. (Harel, 2012) این موارد به خوبی نشان می‌دهد که مواضع نتانیاهو بازتاب‌دهنده دیدگاه تمام بخش‌های نظامی و امنیتی اسرائیلی نبوده و تنها تلاشی است برای ایجاد این پندار در افکار عمومی که ایران تهدیدی امنیتی می‌باشد تا از این طریق بتواند دیگر اهداف سیاسی خود را پیگیری کند.

#### لابی‌های یهودی و تلاش برای معرفی ایران به عنوان تهدید بین‌المللی

یکی دیگر از عوامل فشار کشورهای اروپایی و آمریکا بر ایران، لابی قدرتمند یهودی در آمریکا و کشورهای اروپایی است که نگران افزایش قدرت ایران و به خطر افتادن موقعیت برتر رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه هستند؛ زیرا برنامه هسته‌ای ایران بیش از هر کشوری، این رژیم را تحت تأثیر قرار خواهد داد. برخی اتاق‌های فکر و سازمان‌های یهودی نیز همگام با مقام‌های اسرائیلی ضمن معرفی ایران به عنوان کشوری که حامی تروریسم است، دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای و موشک‌های بالستیک را تهدیدی برای موجودیت اسرائیل می‌دانند. به عنوان مثال انجمن ضد افترا<sup>۳</sup> از سازمان‌های حامی رژیم صهیونیستی با انتشار مقاله‌های مختلف، ایران را تهدیدی جدی برای اسرائیل می‌داند. به عنوان مثال، در گزارشی با عنوان «تهدید اتمی ایران، چرایی اهمیت آن»<sup>۴</sup> (۲۷ نوامبر ۲۰۱۳) و پس از توافق ژنو میان ایران و ۵+۱ آمده است:

1. Aharon Ze'evi Farkash.
2. Benny Gantz.
3. Anti-Defamation League.
4. The Iranian Nuclear Threat: Why It Matters.

ایران یکی از دولت‌های پیشرو در حمایت از تروریسم از طریق حمایت‌های مالی و عملیاتی از گروه‌های تروریستی همچون حماس و حزب‌الله است. این امکان وجود دارد که تهران فناوری و دانش اتمی خود را در اختیار گروه‌های مخالف غرب و اسرائیل قرار دهد. اگر چه برد موشک‌های ایران هم‌اکنون به خاک آمریکا نمی‌رسد، اما در صورت دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای، شهروندان آمریکایی مورد هدف قرار خواهند گرفت. ایران مسلح به تسلیحات هسته‌ای تهدیدی برای متحدان نزدیک آمریکا در منطقه خاور میانه است. در این میان، اسرائیل با بیشترین خطر رو به روست، زیرا رهبران ایران بارها از حذف اسرائیل از نقشه جهان صحبت به میان آورده‌اند. (ADL, 2013)

ایجاد وقفه و اختلال در روند مذاکرات و اثرگذاری منفی در روند مذاکرات میان ایران و ۵+۱، از دیگر برنامه‌های لابی‌های حامی رژیم صهیونیستی می‌باشد. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها<sup>۱</sup> یکی از اتاق‌های فکر در آمریکا که روابط نزدیکی با حزب لیکود دارد طرح جدیدی را برای تحریم‌های ایران در سال ۲۰۱۱ به کاخ سفید ارائه کرد. به موازات این اقدام‌ها، آپیک نیز لابی‌های خود را در کنگره افزایش داد. مجلس سنای آمریکا در دوم دسامبر ۲۰۱۱ با ۹۴ رأی مثبت و بدون هیچ رأی منفی، تحریم بانک مرکزی ایران را به تصویب رساند. قدرت لابی اسرائیل بار دیگر در ماه مه ۲۰۱۲ نمایان شد. در این ماه، مجلس نمایندگان آمریکا با تصویب قطعنامه‌ای که با تلاش‌های آپیک صادر شد با ۴۰۱ رأی موافق در برابر ۱۱ رأی مخالف بار دیگر بر این امر تأکید کرد که دولت آمریکا می‌بایست از دسترسی ایران به توانمندی تسلیحات اتمی جلوگیری کند. (AIPAC, 2012)

رسانه‌ها و لابی‌های حامی اسرائیل همچنین با شیوه‌های مختلف تلاش می‌کنند تا ایران را همچنان تهدیدی برای امنیت بین‌الملل معرفی کنند. این رسانه‌ها مارس ۲۰۱۴ اعلام کردند که یک کشتی ایرانی حاوی تسلیحات به نوار غزه توقیف شده است. آپیک در گزارشی اعلام کرد که در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی وضعیت حقوق بشر در ایران وخیم‌تر شده، ایران قطعنامه‌های شورای امنیت را نقض کرده و همچنان به برنامه مخفیانه هسته‌ای خود ادامه می‌دهد. (AIPAC, 2014) در گزارش آپیک به این مورد اشاره شده بود که در توافق نهایی باید از ایران خواسته شود تأسیسات اتمی خود را به طور کامل برچیند و با بازرسی‌های فوق‌العاده و گسترده از تأسیسات خود موافقت کند.

---

1. Foundation for Defense of Democracies.

### واکنش مقام‌های اسرائیلی به توافق ژنو

اگرچه امضای توافق ژنو میان ایران و ۵+۱ با واکنش مثبت بسیاری از سران کشورها روبه‌رو شد، اما در این میان و مطابق انتظارات، مقام‌های رژیم صهیونیستی به ویژه نخست وزیر این رژیم شدیدترین واکنش‌ها را به امضای توافق ژنو میان ایران و اعضای ۵+۱ از خود نشان دادند. به عنوان مثال، بنیامین نتانیاهو توافق ژنو را «اشتباه تاریخی» خواند و آن را «قرارداد قرن برای ایران»<sup>۱</sup> نامید. وی همچنین اعلام کرد:

توافق ژنو علاوه بر کاهش تحریم‌های بین‌المللی بر ضد ایران، این اجازه را به تهران خواهد داد تا زیرساخت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را همچنان حفظ کند. آنچه در ژنو به تصویب رسید، یک توافق تاریخی نیست، بلکه اشتباهی تاریخی است و این توافق امنیت اسرائیل را به خطر خواهد انداخت. (Karzma and Kerr, 2013: 14)

همچنین آویگدور لیبرمن وزیر خارجه اسرائیل در واکنش به توافق ژنو اعلام کرد که اسرائیل باید به دنبال متحدین دیگری به جز آمریکا باشد و بدون توجه به مواضع آمریکا سیاست‌های خود را ادامه دهد. (Ravid, 2013)

موشه یعالون<sup>۲</sup> نگرانی دولت اسرائیل را در خصوص توافق ژنو این گونه توصیف می‌کند:

این توافق به نوعی تسلیم غرب در برابر فریب ایران است که هدف اصلی‌اش خرید زمان آن هم بدون هیچ‌گونه آسیب رسیدن جدی به برنامه نظامی اتمی خود است... به رژیم ایران این مشروعیت داده شده است تا پروژه اتمی نظامی خود و فعالیت‌های تروریستی‌اش را ادامه دهد، در حالی که دیگر به لحاظ بین‌المللی منزوی نیست و اقتصاد آن تقویت شده است. (ibid)

مقام‌های اسرائیلی همچنین به ترکیب تیم مذاکره کننده در توافق ژنو نیز انتقاد کرده‌اند. به عنوان مثال، آنها به وندی شرم‌ن معاون وزیر خارجه آمریکا در امور سیاسی اشاره می‌کنند که در دولت بیل کلینتون هماهنگ کننده سیاسی در امور کره شمالی بوده است. مقام‌های اسرائیلی بر این باورند که توافق‌های سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷ با کره شمالی همگی توافق‌هایی ضعیف بودند که بارها توسط کره شمالی نقض شده است که عامل اصلی آن نیز وندی شرم‌ن است. افکار عمومی اسرائیلی نیز مخالف امضای توافق ژنو بود. در یکی از

1. Deal of Century for Iran.

2. Moshe Ya'alon.

نظرسنجی‌های انجام شده، ۷۷ درصد اسرائیلی‌ها به این موضوع اشاره کرده بودند که توافق ژنو برنامه تسلیحات اتمی ایران را متوقف نخواهد کرد. (Tel Aviv University, 2013) از نظر مقام‌های اسرائیلی، توافق ژنو، توافقی بد محسوب می‌شود؛ زیرا به باور آنها، آمریکا به دنبال ایجاد نظم منطقه‌ای جدید است که در آن اسرائیل دغدغه‌ای حاشیه‌ای به شمار می‌رود و نقش بیشتری برای ایران در نظر گرفته شده است.

مقام‌های اسرائیلی حتی پیش از امضای توافق ژنو نیز مخالف هرگونه توافق با ایران بودند. مقام‌های اسرائیلی به این موضوع اشاره می‌کردند که حسن روحانی نیز همانند محمود احمدی نژاد درصدد دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است. حتی برخی مقام‌های اسرائیلی حسن روحانی را خطرناک‌تر از احمدی نژاد می‌دانند؛ زیرا معتقدند سبک و مواضع روحانی می‌تواند در جامعه بین‌الملل شکاف ایجاد کند، در حالی که دشمنی صریح احمدی نژاد با اسرائیل و انکار هولوکاست، جهان را در مواجهه با ایران متحد می‌کرد. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل پس از برقراری تماس تلفنی میان حسن روحانی و باراک اوباما رؤسای جمهور ایران و آمریکا، حسن روحانی را گرگی در لباس میش توصیف کرد و به جامعه بین‌المللی هشدار داد که فریب اظهارات رییس جمهور ایران را نخورد؛ زیرا وی درصدد منحرف ساختن افکار جامعه بین‌الملل است. (Natanyahu, 2013)

به باور سران رژیم صهیونیستی، در حالیکه روحانی شیوه خود در قبال جاه‌طلبی‌های اتمی ایران را کنار نگذاشته و نخواهد گذاشت، سخنان مصالحه‌جویانه وی در مواضع ۵+۱ در خصوص تحریم‌ها شکاف ایجاد کرده و ایران را در آستانه تبدیل شدن به دولت اتمی قرار خواهد داد. به طور کلی، مقام‌های وزارت خارجه و وزرات جنگ اسرائیل به این موضوع اشاره می‌کنند که توافق ژنو، توافقی بد است؛ زیرا به ایران اجازه می‌دهد که به غنی‌سازی اورانیوم ادامه دهد، در حالی که همزمان تحریم‌ها کاهش می‌یابد. البته برخی این استدلال را مطرح می‌کنند که مخالفت مقام‌های صهیونیستی با توافق ژنو در واقع به معنای ایفای نقش پلیس بد از سوی این رژیم است و لفاظی‌های آنها، با هدف تقویت شرایط و بندهای توافق ژنو صورت پذیرفته است. در واقع، دیدگاه حاکم در میان سیاستمداران ارشد اسرائیلی، مخالفت با هرگونه توافقی است که در آن ایران بتواند توانمندی غنی‌سازی خود را حفظ کند. می‌توان گفت پندار اسرائیلی از توانمندی ایران برای توسعه تسلیحات اتمی با پندار کشورهای اروپایی و آمریکا متفاوت است.

### تفاوت میان پندار اسرائیل و کشورهای غربی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران

با وجود اینکه هم اسرائیل و هم کشورهای اروپایی و آمریکا پندار کم و بیش یکسانی در خصوص تهدید اتمی ایران دارند، اما در خصوص نحوه مقابله با این تهدید به ویژه انجام عملیات نظامی بر ضد تهران با یکدیگر اختلاف نظر جدی دارند. به عنوان مثال، دولت اوپاما بر این باور است که انزوای ایران خود به خود به وجود نیامده، بلکه برای اقناع و بسیج جامعه بین‌الملل برای اعمال تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده، تلاش زیادی صورت گرفته است. مقام‌های آمریکایی به این موضوع اشاره می‌کنند که با تلاش‌های آنها، فضایی بین‌المللی به وجود آورده که در صورت نیاز به استفاده از زور، جامعه بین‌الملل نسبت به این موضوع توجیه باشد که دیپلماسی کارآیی خود را از دست داده و ایران با پیشنهادهای ارائه شده مخالفت کرده است. (Ross, 2012)

در مجموع، پندار اسرائیل و کشورهای غربی از پیامدهای اتمی شدن ایران نزدیک به هم است. همه آنها بر این باورند که ایران مسلح به تسلیحات اتمی موجب بی‌ثباتی بیشتر در خاورمیانه خواهد شد، ضربه‌ای مهلک به رژیم کنترل تسلیحات بوده و موجب شکل‌گیری رقابت تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه می‌شود. بروکسل و واشنگتن به این موضوع اشاره می‌کنند که دستیابی ایران به تسلیحات اتمی، تهران را در قبال همسایگان خود و دیگر کشورها تهاجمی‌تر خواهد کرد، موجب تقویت جایگاه تهران در اردوگاه کشورها و گروه‌های افراطی شده و فشارها را بر کشورهای میانه‌رو برای همراهی با ایران بیشتر خواهد کرد. نوع نگاه آمریکا، کشورهای اروپایی و اسرائیل به حمله نظامی همچنین تحت تأثیر ارزیابی متفاوت آنها از ضرب‌الاجل انجام حمله نیز قرار دارد. برای اسرائیل، عبور ایران از خط قرمز زمانی خواهد بود که وارد منطقه مصونیت شود. در این زمان، اسرائیل توانایی انجام حمله مستقل را از دست خواهد داد و انجام هر گونه حمله احتمالی به آمادگی و تمایل واشنگتن بستگی خواهد داشت. ورود ایران به منطقه مصونیت نیز زمانی اتفاق خواهد افتاد که دفاع از سایت‌های اتمی به ویژه فردو به مرحله‌ای برسد که انجام هر گونه حمله نظامی با شکست مواجه شود. همچنین نزدیک شدن ایران به منطقه مصونیت زمانی است که ایران به تولید چاشنی انفجاری نزدیک شود. به عبارت دیگر، ایالات متحده تنها زمانی دست به حمله خواهد زد که ایران به سمت تولید تسلیحات اتمی حرکت کند.



همچنین تفاوت‌هایی در برآورد واشنگتن و تل‌آویو در خصوص دسترسی ایران به تسلیحات هسته‌ای وجود دارد. به عنوان مثال، در برآورد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در سال ۲۰۰۷، زمان دسترسی ایران به تسلیحات هسته‌ای بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ اعلام شده بود، اما برآورد سازمان‌های جاسوسی اسرائیل زمان کمتری را پیش‌بینی کرده بودند. در سال ۲۰۱۲ گزارشی از سوی برآورد اطلاعات ملی<sup>۱</sup> منتشر شد که بخش‌هایی از آن در گزارش مدیر اداره اطلاعات ملی آمریکا در مارس ۲۰۱۳ آمده بود. این ارزیابی نشان می‌داد که هم ایالات متحده و هم اسرائیل هر دو بر این امر توافق نظر داشتند که ایران در حال ایجاد زیرساخت‌های اتمی و غنی‌سازی اورانیوم برای حفظ گزینه تسلیحات اتمی است. دیگر اینکه ایران در حال انجام تحقیقات مقدماتی مرتبط با برنامه تسلیحات اتمی می‌باشد و تهران از توانمندی لازم علمی، فنی و صنعتی برای تولید تسلیحات اتمی برخوردار است، البته چنانچه اراده سیاسی در میان رهبران ایران وجود داشته باشد. (Kam, 2013: 63)

هم در ایالات متحده و هم در میان کشورهای اروپایی برخی به این موضوع اشاره می‌کنند که این کشورها می‌توانند با یک ایران اتمی کنار بیایند و اقدام به مهار آن کنند، مشابه آنچه که در دوره جنگ سرد و در قبال شوروی صورت پذیرفت. اما این موضوع برای مقام‌های اسرائیلی قابل قبول نیست. به عنوان مثال، سیلوان شالوم<sup>۲</sup> ژانویه ۲۰۱۲ اعلام کرد که اسرائیل نمی‌تواند این ایده را بپذیرد؛ زیرا ایران هر آن ممکن است تصمیم بگیرد دولت اسرائیل را نابود کند. (Waxman, 2012: 80) در واقع، گزینه نظامی محل مناقشه میان رژیم صهیونیستی و کشورهای اروپایی و آمریکا است. در خصوص حمله به ایران مواضع کشورهای اروپایی متفاوت از مواضع اسرائیل و آمریکا است. آمریکا و اسرائیل به صراحت اعلام کرده‌اند که تمام گزینه‌ها از جمله گزینه نظامی را مورد توجه قرار خواهند داد، اما در عمل مواضع آنها با یکدیگر نیز متفاوت است. در حالی که اسرائیل تلاش می‌کند تا به گزینه نظامی اعتبار ببخشد، به این موضوع نیز اشاره می‌کند که آمریکا با تأکید بر اینکه شرایط برای حمله نظامی فراهم نیست و توانمندی اسرائیل برای انجام حمله نظامی مستقل کارآمد کافی نمی‌باشد و یا اینکه اسرائیل با انجام حمله نظامی نباید آمریکا را غافل‌گیر کند، اعتبار

1. National Intelligence Estimate.

2. Silvan Shalom.

گزینه نظامی را کاهش داده است. تل‌آویو همچنین معتقد است که این سیاست آمریکا موجب کاهش فشارها بر ایران خواهد شد و مقام‌های ایرانی را به این نتیجه خواهد رساند که آمریکا واقعاً قصد حمله ندارد.

در واقع، نوعی شکاف میان پندار و مواضع آمریکا و کشورهای اروپایی (ممانعت از تولید تسلیحات اتمی توسط ایران) و پندار و مواضع اسرائیل (ممانعت از دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای برای تولید تسلیحات اتمی) وجود دارد. مقام‌های اسرائیلی همواره اعلام کرده‌اند که در خصوص امکان توقف برنامه هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی خوش‌بین نیستند. نخست به دلیل اینکه ایران با انجام مذاکره در حال خرید زمان برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود و رساندن آن به سطحی است که امکان توقف آن از طریق حمله نظامی از بین برود. دیگر آنکه، در صورت توافق میان ایران و ۵+۱ امکان تولید تسلیحات هسته‌ای از سوی ایران از بین نخواهد رفت و تهران همچنان تهدیدی برای امنیت اسرائیل خواهد بود.

اثرات مواضع و سیاست‌های رژیم صهیونیستی بر مواضع اتحادیه اروپا در قبال ایران با وجود اینکه کشورهای اروپایی در پاره‌ای موارد نسبت به برخی سیاست‌های اسرائیل از جمله ساخت واحدهای مسکونی جدید در شهرک‌های صهیونیست‌نشین یا حمله به نیروهای غیرنظامی انتقاد می‌کنند، اما روابط اتحادیه اروپا و اسرائیل فارغ از این نوع انتقادات در حوزه‌های مختلف در سال‌های اخیر همواره رو به گسترش بوده است. به عنوان مثال، مجموع مبادلات تجاری میان تل‌آویو - بروکسل در سال ۲۰۱۲ در حدود ۲۹/۷ میلیارد یورو بوده است. ۳۵ درصد کل واردات اسرائیل از اتحادیه اروپاست (بیشترین واردات اسرائیل از اتحادیه اروپا انجام می‌شود) و ۲۷ درصد صادرات اسرائیل به این اتحادیه صورت می‌پذیرد. (اتحادیه اروپا پس از آمریکا دومین مقصد صادرات محصولات اسرائیلی است) همچنین بیش از ۱۲ میلیارد یورو مجموع تجارت میان اسرائیل و سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس است. (Henry Jackson Society, 2014: 5)

این حجم بالای مبادلات تجاری و روابط سیاسی نزدیک، شرایطی را به وجود آورده که کشورهای اروپایی نسبت به تهدیدهای اسرائیل در خصوص انجام اقدام نظامی بر ضد تأسیسات اتمی تهران حساسیت داشته و از خود واکنش نشان داده‌اند. در واقع، هرگاه

لفاظی‌های تل‌آویو بر ضد ایران افزایش یافته، دور جدیدی از تحریم‌ها بر ضد جمهوری اسلامی ایران از سوی اتحادیه اروپا اعمال شده است. به عبارت دیگر، اتحادیه اروپا همواره نسبت به تهدید حمله به ایران حساس بوده و هر زمان که تهدیدهای اسرائیل در خصوص حمله به ایران افزایش یافته، اتحادیه اروپا با اعمال تحریم‌های شدیدتر بر ضد تهران از خود واکنش نشان داده است. به هر ترتیب، این نوع واکنش و رفتار اتحادیه اروپا به اظهارنظرها و سیاست‌های مقام‌های اسرائیلی در دو مورد به وضوح قابل مشاهده است: نخست، اعمال تحریم نفتی در ژانویه ۲۰۱۲ و دیگری پس از برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۲.

در مورد نخست، پس از انتشار گزارش نوامبر ۲۰۱۱ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آویگدور لیبرمن وزیر خارجه اسرائیل همانند بسیاری از مقام‌های این رژیم، خواستار اعمال تحریم‌های فلج‌کننده شد؛ تحریم‌هایی که بتواند پاشنه آشیل ایران یعنی بخش اقتصاد و انرژی را مورد هدف قرار دهد. (Sherwood and Mc Greal, 2011) در واقع، پیام نهفته در این قبیل سخنان مقام‌های اسرائیلی این بود که اعمال تحریم‌های شدید می‌تواند مانع استفاده از قدرت نظامی توسط تل‌آویو بر ضد تأسیسات اتمی ایران شود. این نوع اعمال فشار بر اتحادیه همواره مفید بوده است؛ زیرا اتحادیه این احتمال را می‌دهد که اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کند. به عنوان مثال، ویلیام هیگ وزیر خارجه انگلیس در خصوص اعمال تحریم‌ها بر ضد تهران اعلام کرد که «این تحریم‌ها با هدف ممانعت از بروز منازعه اعمال شده است». (Salvin, 2012) در موردی دیگر، اظهارنظرهای مقام‌های اسرائیلی در تابستان ۲۰۱۲ در خصوص حمله به تأسیسات اتمی ایران به طور قابل ملاحظه‌ای رو به افزایش گذاشت و این احساس را القا می‌کرد که اسرائیل در ظرف چند هفته به ایران حمله خواهد کرد. در اقدامی نامتعارف، آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در تماس با بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل خواست تا به طور یکجانبه به تأسیسات اتمی ایران حمله نکند. (Ravid, 2012)

در اواخر سپتامبر ۲۰۱۲ در مجمع عمومی سازمان ملل نیز نخست وزیر رژیم صهیونیستی خواستار ترسیم یک خط قرمز مشخص در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران شد. واکنش مقام‌های اروپایی به این سخنان بسیار جالب بود. یکی از مقام‌های اروپایی حاضر در گفتگوهای هسته‌ای با ایران به سرعت از خود واکنش نشان داد و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد: «گام بعدی ما تشدید تحریم‌ها خواهد بود». (Blanc, 2014: 22) پس از

گذشت زمان اندکی نیز وزرای خارجه اتحادیه اروپا در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ دور تازه‌ای از تحریم‌ها را آغاز و تحریم‌هایی را در خصوص واردات گاز طبیعی از ایران اعمال کردند و محدودیت‌هایی در خصوص توسعه زیرساخت‌های تهران در نظر گرفتند. البته، مقام‌های اسرائیلی به این موضوع اشاره می‌کنند که تصویب این تحریم‌ها زمانی موفق خواهد بود که موجب توقف برنامه هسته‌ای ایران شود. نتانیاهو در سخنرانی خود در جمع سفرای اتحادیه اروپا در اسرائیل در اکتبر ۲۰۱۲ به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید:

این تحریم‌ها به اقتصاد ایران آسیب وارد ساخته، اما هنوز برنامه هسته‌ای تهران را متوقف نکرده است. ما می‌دانیم زمانی اهداف اعمال تحریم تحقق خواهد یافت که سانتریفیوژها دیگر نچرخند و برنامه هسته‌ای ایران متوقف شده باشد. (Ahren, 2012)

مقام‌های اروپایی همچنین در خصوص اعمال تحریم‌هایی یکجانبه این توجیه را مطرح می‌کنند که هدف از اعمال تحریم‌ها، اعمال فشار برای رسیدن به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز در خصوص بحران اتمی ایران است. در واقع، تصمیم اتحادیه اروپا در خصوص تحریم ایران را می‌توان ناشی از فشارهای مقام‌های اسرائیلی بر اتحادیه اروپا دانست؛ زیرا تل‌آویو بارها از اعمال تحریم‌های فلج‌کننده بر ضد تهران سخن به میان آورده و آن را عاملی مهم در حمله نکردن به ایران دانسته است.

#### نتیجه

رژیم صهیونیستی نیز همانند ایالات متحده با امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران تلاش کرده است تا جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی امنیتی برای خود معرفی کرده و از این طریق راه را برای برخوردهایی فراتر از هنجارهای بین‌المللی هموار سازد. نکته حائز اهمیت اینجاست که امنیتی‌سازی برنامه صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران از سوی رژیم صورت می‌پذیرد که طبق گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و حتی دستگاه‌های جاسوسی کشورهای هم‌پیمان خود، دارای زرادخانه اتمی گسترده و صدها کلاهک هسته‌ای است. به طور کلی، مقام‌های اسرائیلی بر این باورند که هسته‌ای شدن ایران موجب از بین رفتن انحصار هسته‌ای آنها در خاورمیانه خواهد شد و تهران از این طریق می‌تواند اثرگذاری بیشتری در مسائل امنیتی و سیاسی منطقه داشته باشد. مقام‌های اسرائیلی همچنین مخالف هر نوع توافق سیاسی میان

۵+۱ و ایران (از جمله توافق ژنو و اجرای طرح اقدام مشترک) هستند. تل‌آویو نسبت به عزم و اراده دولت‌های غربی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران تردید داشته و از این امر واهمه دارد که ۵+۱ رسیدن ایران به توانمندی تولید تسلیحات اتمی را تحمل خواهد کرد. از سوی دیگر، اسرائیل به چند شیوه به مقابله با برنامه هسته‌ای ایران پرداخته است. نخست اینکه، تلاش‌ها و رایزنی‌های زیادی برای اعمال تحریم‌های فلج‌کننده از سوی دولت‌های غربی داشته تا از این طریق بتواند سیاست‌های مورد نظر خود را پیش ببرد. دیگر آنکه، از طریق اقدام‌های خراب‌کارانه و مخفیانه درصدد ایجاد اختلال در برنامه هسته‌ای ایران آمده است. در نهایت اینکه، تهدید به حمله نظامی برضد تأسیسات اتمی ایران کرده است. استدلال سران این رژیم در توجیه حملات پیش‌دستانه برضد جمهوری اسلامی ایران اینست که انجام حمله پیشگیرانه برضد ایران خطرات کمتری دارد؛ زیرا چنانچه تهران به توانمندی هسته‌ای دست پیدا کند، از این تسلیحات برضد تل‌آویو استفاده خواهد کرد. باید به این موضوع اشاره کرد که مقام‌های اسرائیلی در مقاطع مختلف در دو دهه گذشته به بهانه‌های مختلف تلاش کرده‌اند تا از امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران بهره‌برداری کنند.

به نظر می‌رسد با وجود برخی شواهد و علائم ایجابی در حوزه پرونده هسته‌ای ایران در دوره دولت یازدهم، تل‌آویو همچنان بر امنیتی‌بودن برنامه هسته‌ای ایران تأکید داشته و درصدد همراه ساختن اتحادیه اروپا و آمریکا با دیدگاه خود است. با توجه به گفتمان اسلامی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از اندیشه دینی، نوع جدیدی از نظام نوین را در حوزه مردم‌سالاری مطرح کرده و استقلال ملی را هدف نظام سیاسی خود برگزیده است، گفتمان انقلاب اسلامی در برهه‌های زمانی مختلف با چالش‌های متفاوتی مواجه خواهد شد. از این رو، باید در طراحی‌های دیپلماتیک در عرصه سیاست خارجی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به این شرایط و تحولات توجهی ویژه کرد.

#### منابع و مأخذ

۱. برزگر، کیهان و مهدی قاسمی، ۱۳۹۲، «استراتژی تهدید وجودی اسرائیل و امنیت ملی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره اول، بهار.

۲. بوزان، باری، الی ویور و یاپ دووینلد، ۱۳۹۲، چارچوبی تازه برای تحلیل، تهران،

پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج ۲.

۳. سجادپور، سید محمد کاظم و سعیده اجتهادی، ۱۳۸۹، «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات

بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»،

دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول بهار و تابستان.

4. ADL., 2013, "The Iranian Nuclear Threat: Why It Matters", Retrieved 3 22, 2014, from: <http://www.adl.org/israel-international/iran/c/the-iranian-nuclear-threat-why-it-matters.html>.
5. Ahren, R, 2012, "EU's New Tough Sanctions on Iran Good, But Not Enough, PM Says", *Times of Israel*, 16 October, from: <http://timesofisrael.com/pm-thanks-eu-ambassadors-for-tough-sanctions-on-iran>
6. AIPAC., 2012, "Prevent Iranian Nuclear Capability", Retrieved June 21, 2014, from: <http://aipac.org/learn/legislative-agenda/agenda-display?agendaId=%7B50B00D38-5A87-4E29-9D5D-670022EBB2AD%7D>.
7. AIPAC., 2014, "Beyond the Nuclear: Iran;s Extremism Persists", Retrieved December 23, 2014, from: <http://aipac.org/~media/Publications/Policy%20and%20Politics/AIPAC%20Analyses/Issue%20Memos/2014/AIPAC%20Memo%20-%20Beyond%20The%20Nuclear%20Irans%20Extremism%20Persists.pdf>.
8. Amidor, Y., 2014, April, "Israel Cannot Accept the Emerging Accord Between US an Iran", Retrieved June 30, 2014, from Begin-Sadat Center for Strategic Studies (BESA)
9. Bergman, R., 2009, June 10, "Letter from Tel Aviv: Netanyahu's Iranian Dilemma", Retrieved April 4, 2013, from <http://foreignaffairs.com/features/letters-from/letter-from-tel-aviv-netanyahu%C3%A2%E2%82%AC%E2%84%A2s-iranian-dilemma>.
10. Blanc, E., 2014, "When Soft Power Meets Hard Security: Can the EU Non-Proliferation Contribute to Israel's National Security?" Retrieved September 30, 2014, from *INSS*: <http://inss.org.il/index.aspx?id=4538&articleid=6846>.
11. Buzan, B. and Waeber, O., 2009, "Macro Securitization and Security Constellations: Reconsidering Scale in Securitization Theory", Review of *International Studies*, 253-276.

12. Economist, 2011, "Don't Think about September", 11 June, from:  
<http://www.economist.com/node/18805766>.
13. Eiran, E and Malin Martin B., 2013, "The Sum of All Fears: Israel's Perception of a Nuclear- Armed Iran", *Washington Quarterly*.
14. Emmers, R., 2010, "Securitization. In A. Collins", *Contemporary Security Studies*. Oxford: Oxford University Press.
15. Even, S., 2014, "The Israeli Strategy against the Iranian Nuclear Project", *Strategic Assessment*, 16(4), 7-20.
16. Guardian, 2008, "Israel Asked US or Green Light to Bomb Nuclear Sites in Iran", 15 September, from:  
<http://theguardian.com/world/2008/sep/25/iran.israelandthepalestinians1>
17. Harel, A., 2012, "IDF Chief to Haaretz: I Do Not Believe Iran Will Decide to Develop Nuclear Weapons". *Haaretz*, 25 April, from:  
<http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/idf-chief-to-haaretz-i-do-not-believe-iran-will-decide-to-develop-nuclear-weapons-1.426389>.
18. Henry Jackson Society, 2014, "Added Value: Israel's Strategic Worth to the European Union and Its Member States", Retrieved September 22, 2014, <http://henryjacksonsociety.org/2014/01/30/added-value-israels-strategic-worth-to-the-european-union-and-its-member-states>.
19. Herzog, M., 2014, January, "Iran's Nuclear diplomacy, a Response from Israel", Retrieved March 22, 2014, from RUSI:  
<http://henryjacksonsociety.org/wp-content/uploads/2014/02/HJS-FOI-Israelis-Strategic-Worth.pdf>.
20. Jewish Virtual Library, 2014, April, "Fact Sheet, the Threat from Tehran", Retrieved April 29, 2014, from:  
[http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/talking/23\\_Iran.html](http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/talking/23_Iran.html).
21. Kam, E., 2013, "The US and Israel on Iran: Whiter the (DI)s Agreement?" *Strategic Assessment*, 16(1), 61-73.
22. Karzma, K and Kerr, P., 2013, December 13, "Interim Agreement on Iran's Nuclear Program", Retrieved January 22, 2014, from Congressional Research Service.
23. Leonard, S. and Kaunert, C., 2011, "Reconceptualization in Securitization. In T. Balzacq", *Securitization Theory* (pp. 57-77), Routledge.
24. Natanyahu, Benjamin, 2013, "Natanyahu's Address to the UN General Assembly", *Haaretz*, 1 October, from:  
<http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/1.550012>.
25. Ovall, Sevket and Bozdagilloglu, Yucel, 2012, "Role Theory and Securitization: An Agency Based framework for Decoding Turkey's

- Diplomatic Offensive Against Israel", in *The Turkish Yearbook of International relations*, Vol.43, pp 1-28.
26. Pieper, M., 2012, "The Return of politics in Security Discourses on Iran", Retrieved June 22, 2013, from:  
<http://kent.ac.uk/politics/events/research-conference-papers/pieper-paper.pdf>.
27. Porter, G., 2014, *Manufactured Crisis: The Untold Story of the Iran Nuclear Scare*, Just World Books.
28. Ravid, B., 2012, "Merkel Called Netanyahu: Don't Attack Iran", *Haaretz*, 31 August, from <http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/merkel-called-netanyahu-don-t-attack-iran-1.461840>.
29. Ravid, B., 2013, "Netanyahu: Iran Nuclear Deal Endangers Israel, We Will Defend Ourselves", *Haaretz*, 24 November, from:  
<http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/.premium-1.559781>.
30. Ross, D., 2012, "How America Can Stop Israel's March to War", Retrieved January 3, 2014, from Belfer Center:  
[http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/22258/how\\_america\\_can\\_stop\\_israels\\_slow\\_march\\_to\\_war.html](http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/22258/how_america_can_stop_israels_slow_march_to_war.html).
31. Salvin, B., 2012, "Israel Pressures Results in Unprecedented EU Sanctions against Iran", Retrieved October 22, 2013, from:  
<http://lobelog.com/slavin-israeli-pressure-results-in-unprecedented-eu-sanctions-against-iran>.
32. Sherwood, Harriet and Mc Greal, Chris, 2011, "IAEA Report: Sanctions Likely as Fear Grows over Israeli Actions", *Guardian*, 8 November from <http://www.theguardian.com/world/2011/nov/08/iaea-report-reaction-sanctions-fears>
33. Tel Aviv University, 2013, November, "Israel Democracy Institute Peace Index", Retrieved January 11, 2014, from <http://en.idi.org.il/tools-and-data/guttman-center-for-surveys/the-peace>.
34. Waxman, D., 2012, "The Real Problem in US-Israeli Relations", *Washington Quarterly*, pp 71-87.